

فصلنامه علمی- پژوهشی رهپای انقلاب

سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۷
صفحه ۳ تا ۲۶

دولت مطلوب و کارآمد اسلامی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری

یوسف ترابی / دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علوم نظامی امین utorabi14@gmail.com

مهدی پیروزفر / دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) mahdipiروزfar1371@gmail.com

چکیده

مطالعه دولت کارآمد اسلامی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری از جمله موضوعات بدیع در مطالعات انقلاب اسلامی است، که نیازمند مطالعه و برررسی علمی می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی، طلیعه آغاز تغییرات اساسی در ساخت‌های متعدد جامعه به ویژه دولت شکل گرفت. در این راستا نظریه‌های متعدد و اصول متفاوتی نیز بیان شد که به دنبال افزایش کارآمدی در دولت اسلامی بود. در این مقاله با استفاده روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از رویکرد کارکردگرایی تلاش شد تا دولت مطلوب و کارآمد از دیدگاه آیه الله خامنه‌ای (دامت برکاته) بیان گردد. سوال اصلی پژوهش این است که دولت مطلوب و کارآمد اسلامی در سپهر اندیشه رهبری چه ویژگی‌هایی دارد. یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از آن بود که ایمان و هویت اسلامی، خردگرایی، و عقلانیت، عدالتخواهی، حفظ استقلال، خودباوری و پیشرفت علمی، فسادستیزی و سلامت اخلاقی، ساده زیستی و تواضع، پرهیز از تجمل، سعه صدر، قانون‌گرایی، از مؤلفه‌های اصیل دولت کارآمد اسلامی و کارکردهای آن است.

کلیدواژه: دولت، مقام معظم رهبری، کارآمدی، انقلاب اسلامی، کارکردگرایی.

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) طلیعه و سرآغاز پیدایش تحولات شگرفی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی بود. از مهم‌ترین پیام‌ها و ارمان‌های انقلاب اسلامی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، سیاست نه شرقی نه غربی، حمایت از مستضعفان و مظلومان، مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و ترویج و دفاع از وحدت امت اسلامی بود. تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از ارمان‌های ارزشمند انقلاب اسلامی بود که پیرو آن زمینه برای تشکیل دولت اسلامی فراهم گردید. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این رابطه می‌فرماید: «بعد از آنکه نظام اسلامی تشکیل شد و نوبت به تشکیل دولت اسلامی و به معنای حقیقی می‌رسد یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان، یعنی ما‌ها به گونه‌ای اسلامی - چون در وهله اول فراهم نیست به تدریج و با تلاش باید به وجود آید ... قدم بعدی که از این‌ها (تأسیس انقلاب اسلامی و نظام اسلامی) دشوارتر است ایجاد دولت اسلامی است، نه به معنای هیئت وزیران بلکه به معنایی که مجموعه کارگزاران حکومت، یعنی من و شما، ما باید به معنای واقعی کلمه در درون نظام اسلامی، اسلامی شویم این مشکل تر از مراحل قبلی است» (خامنه‌ای ۱۳۸۵: ۲۵۹).

اندیشه و ایده دولت اسلامی در قالب «دولت کریمه» «اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه...» همان دولت مطلوب و ایده‌آل (Ideal type) و دولت کارآمد است، دولتی که در پرتو تشکیل آن آرمان‌های والایی چون توحیدی و ارزش‌های بنیادین الهی برای رهایی انسان از غل و زنجیرهای عبودیت و بندگی غیرخدا تحقق یافته و انسان صالح و جامعه صالحین به منصفه ظهور می‌رسد و عدالت و قسط به مفهوم واقعی کلمه تحقق یافته و ظلم و ستم و تبعیض رخت بر بسته و نسیم دلنواز برادری و شمیم دل‌انگیز مهربانی وزیدن می‌کند. آرمان تشکیل دولت کریمه اسلامی از مقدس‌ترین رسالت‌هایی قرآنی و آموزه‌های اسلامی است که در قرآن و سنت به صورت جدی مورد تأکید قرار گرفته است و نوشتار حاضر پویشی علمی به منظور به تصویر کشیدن ویژگی‌ها و خصوصیات و شاخص‌های دولت مطلوب و کارآمد اسلامی در پرتو دیدگاه‌ها و نظرات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) است که فرزند برومند امام خمینی (ره) و خلف صالح آن عظیم‌الشان محسوب می‌شوند. امید که ان‌شاءالله گامی در فرآیند تبیین شاخص‌های برجسته

و درخشان دولت کریمه اسلامی باشد و نخبگان جمهوری اسلامی ایران در جهت رسیدن به آن با عقلانیت، هوشمندی و حکمت اقدام نمایند.

پیشینه پژوهش

مقام معظم رهبری از جمله اندیشمندان به نام اسلامی است که آراء او در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه مردم کشورهای مختلف قرار گرفته است. البته در سال‌های اخیر تحقیقاتی در مورد آراء مقام رهبری صورت گرفته ولی هیچ یک از تحقیقات « دولت مطلوب و کارآمد در اندیشه » ایشان را مورد بررسی قرار نداده است. بنابراین اگرچه محمدی لرد در مقاله «مدل تحلیل راهبردی در اندیشه مقام معظم رهبری» تلاش کرده تا مدلی کارآمد برای تحلیل اندیشه‌های رهبری ارائه نماید ولی نتوانسته مدلی جامع و مانع طراحی نماید و در این عرصه با کاستی‌های فراوانی روبرو است. آقای حسینی نیز در مطلب دیگری با عنوان «مفهوم پردازی ظرفیت خط مشی عمومی انقلاب اسلامی ایران در اندیشه رهبری» تلاش کرده به خط‌مشی‌های عمومی و همه‌جانبه انقلاب برسد ولی ایشان نیز در این زمینه دچار نقص‌هایی است و نتوانسته به مطلوب برسد. در این زمینه کتاب دیگری نیز با نام اسلام سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری توسط ولی زاده نگارش یافته که این کتاب نیز بیشتر جمع‌بندی بیانات رهبری پیرامون اسلام سیاسی است و به موضوع دولت کارآمد اسلامی نپرداخته است. بنابراین تحقیق حاضر از این باب دارای نوآوری است.

۱- مبانی مفهومی

۱-۱ مفهوم دولت

واژه دولت «state» از ریشه لاتین «star» به معنای ایستادن و به مفهوم دقیق‌تر از واژه «status» به معنای وضع مصطفوی و پابرجا اخذ شده است. امروزه در زبان انگلیسی واژه شأن و منزلت «status» به معنای اصل لاتین آن به کار می‌رود. متفکران رومی مانند «سیسرون» و «والپیان» و نیز حقوق دانان اوایل قرون وسطی به همین معنا کلمه «status» را در عباراتی چون «status-civitations» (مقام و حقوق شهروندی) و «status regni» (مقام و حقوق حکومتی) به کار برده‌اند. (وینسنت، ۱۳۷۶: ۳۷) مفهوم دولت تا قرن ۱۶ میلادی رواج سیاسی نداشت و نخستین کاربرد واژه دولت به معنای جدید به نیکولو ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷) نسبت داده می‌شود. در اندیشه ماکیاولی دولت به معنای قدرت عام تلقی می‌شود که مستقل از حاکم و اتباع عمل می‌کند و هسته مرکزی قدرت را تشکیل می‌دهد. یونانی‌ها به جای واژه دولت «پولیس» را به کار می‌بردند که می‌توان آن را شهر-دولت

(city-state) نامی. دولت، حکومت نیست، بلکه حکومت کارگزار دولت است. دولت همچنین با جامعه و اجتماع و میلت فرق دارد. ارسطو «پولیس» را طبیعی و ضروری تلقی می‌کرد و می‌گفت: «پولیس» از غرایز طبیعی انسان ظهور می‌کند، محصول و نیز اوج نیاز انسان به زندگی اجتماعی است و برای رشد جنبه‌های گوناگون انسان ضروری است. ایده آلیست‌های سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی مانند روسو، کانت، هگل، گرین و بوسانکه کم و بیش با این نظر موافق بودند. آن‌ها دولت را نهادهای اخلاقی می‌دانستند که برای رشد کامل اخلاقی انسان غیر قابل صرف نظر است. آلتوسیوس و گرسیوس نیز دولت را تأسیس عمومی برای ارتقای رفاه نسبی تلقی و همین نظر در پیدایش مفهوم دولت رفاه، که به طور عمده برای جامعه‌های وفور (توسعه یافته) تناسب و اعتبار دارد مؤثر بود (عالم، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۱۳۵)

برخی با رویکردی منفی معتقد بودند که دولت، آزادی طبیعی فرد را محدود می‌کند و در بهترین حالت شر ضروری است. مانند نیچه و هربرت اسپنسر، و برخی با رویکردی افراطی مانند آنارشیست‌ها گل فلسفی، پرودون و کروپتکین و... اعتقاد داشتند دولت شر مطلق است و آن را تجلی زور و سلطه قلمداد می‌نمودند. از نظر مارکس دولت سازمان یک گروه یا طبقه اجتماعی غالب برای سلطه و استثمار گروه‌ها و طبقات دیگر و حکومت کمیته اجرایی طبقات استثمارگر است. (عالم، ۱۳۸۵: ۱۳۶). امعان نظر در تعاریف مختلف از دولت بیانگر وجود سه گونه تعریف از دولت است که عبارتند از:

۱-۱-۱ تعریف حقوقی

دولت واحدی است که دارای ۴ شاخص جمعیت، حکومت، سرزمین و حاکمیت (حکومت) است.

۱-۱-۲ تعریف فلسفی

دولت یک هدف اصلی دارد و ویژگی‌های ضروری دولت کمال مطلوب، دولت خوب و دولت کامل را بیان می‌کند. از لحاظ فلسفی ۳ مکتب فکری در رابطه دولت وجود دارد. اول: دولت برای ایجاد هماهنگی میان اجزای گوناگون و ضروری جامعه تکوین یافته است نظریه پردازانی چون افلاطون، ارسطو، اصحاب کلیسا (توماس اکوینی-اگوستین قدیس) و سیسرون رومی به این دیدگاه تعلق دارند. دوم: دولت در نتیجه گرفت فرار اجتماعی پدید آمده است. افرادی مانند هابز، لاک و روسو چنین اعتقادی دارند.

سوم: دولت در نتیجه مبارزه میان نیروهای متضاد اجتماعی پدید می‌آید، مارکس و پیروان او از این دسته‌اند.

۳-۱-۱ تعریف سیاسی

در این تعریف دولت بر مبنای واقعیت‌های ملموس گذشته، حال و آینده تعریف می‌گردد و از آنجایی که جامعه انسانی از صورت‌بندی‌های ساده تا پیچیده آن بر پایه تغییرات و تحولات در ساختارهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... شکل گرفته و رشد می‌یابد. دولت نیز در فرآیند تحولات مزبور که محل تمرکز قدرت می‌باشد شکل گرفته و تولد پیدا می‌کند (عالم، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۸).

در ادبیات و آموزه‌های اسلامی واژه دولت از کلمه دَوْل به معنای گردیدن اخذ شده است. «دالت الأیام» یعنی روزها گردش کرد. «دالت له الدولة» یعنی مال و ثروت به او روی آورد. «تلك الأیام نداولها بین الناس» (آل عمران، آیه ۱۴۰) این روزهایی است که میان مردمان آن‌ها را می‌گردانیم. راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «دَوْلَة و دَوْلَة» در در معنا یکی است یعنی مال و مقام، «دَوْلَة» در مال و نقدیه، «دَوْلَة» در جنگ و جاه و شأن استفاده می‌شود و نیز گفته‌اند «دَوْلَة» همان چیزی است که عیناً گرفته می‌شود (نقدیه و متاع مادی) «کی لایکون دَوْلَة بین الأغنیاء منکم» (حشر ۷) و همچنین «دَوْلَة» به معنای چرخش زمانه و گردش نیکی و ظرف و غلبه به سوی کسی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۷۴)

از دیگر معانی دولت قدرت و بزرگی و مال است و رو کردن دولت به کسی به معنای روی آوردن قدرت و مکتب به اوست. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «تجاوز مع القدرة و أحسن مع الدولة تکمل لک السیادة» (غررالحکم: ۲۹۷) به هنگام توانایی در گذر و با داشتن قدرت، احسان و نیکی کن تا بزرگی و سروری بر تو کامل گردد. در فرهنگ اسلامی و سیره ائمه علیهم‌السلام به ویژه در نهج‌البلاغه دولت نهاد دارنده قدرت است و حکومت، سازمان و نهادی است که حق استفاده از قدرت، اقتدار و توانایی را دارد. والی مظهر این قدرت و مردم تحقق‌بخش آن هستند که بدون ایشان قدرت مفهوم پیدا نمی‌کند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۶۰)

۲-۱ مفهوم کارآمدی

در دانش مدیریت، کارآمدی به عنوان میزان یا حدی معین از توانایی نیل یک سازمان به اهدافش می‌باشد و در یک رویکرد سیستمی و نظام‌مند سنجش کارآمدی مستلزم

معیارهای پیچیده و چندگانه است که هر کدام اهمیت شایان توجهی دارند. برای مثال شاخص‌های سنجش میزان کارآمدی مدیریت توسعه و پیشرفت کشور و دولت عبارتند از:

- توانایی در جذب و پردازش داده‌ها و اطلاعات؛

- انعطاف و انطباق‌پذیری؛

- آمادگی و به روز بودن؛

- بهره‌برداری از محیط؛

- ارزیابی به وسیله عوامل خارجی؛

- ثبات؛

- تعامل موفقیت‌آمیز با محیط خارجی؛

- توانایی در برآوردن خواسته‌های عوامل کلیدی (رابینز، جلد ۵۰، ۱۳۷۰: ۵۲).

مهم‌ترین شاخص‌های دولت کارآمد در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عبارت است از توانایی نیل به بالاترین نرخ‌های پیشرفت و ترقی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به نحوی که رضایتمندی شهروندان و اعتماد آنان به شکل اطمینان‌آور جلب شده باشد. در یک نظام و سیستم سیاسی اسلامی علاوه بر ابعاد مزبور می‌توان به تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی، رشد و تعالی اخلاقی و معنویت در اجتماع، فراهم شدن زمینه برای توسعه و گسترش ارزش‌های الهی و عبودیت خداوند سبحان (توحید الهی) و توجه به خدا در کلیه امور و شئون فردی و اجتماعی اشاره کرد. مهم‌ترین وظیفه یک دولت اسلامی کارآمد علاوه بر شاخص‌های مادی، فراهم کردن زمینه‌ها و شرایط رشد و شکوفایی ایمان و عمل صالح و تحقق آرمان‌های الهی به منظور پیدایش جامعه سالم و بلد طیب توحیدی (سرزمین پاک الهی) است که در آن ظلم و ستم، تبعیض و فساد، منازعه و شرارت و عبودیت و بندگی هوی و هوس‌ها و طاغوت و رخت بر بسته و جامعه توحیدی تحقق پیدا کرده است.

۳-۱- کارکردگرایی

کارکردگرایی (Functionalism) رویکردی است که کارکرد هر پدیده و سیستم را در عرصه اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد و به تعبیر گیدنز دیدگاهی نظری است که رویدادهای اجتماعی را به بهترین وجه برحسب کارکردهایی که انجام می‌دهند، یعنی کمک به دوام و بقای جامعه مطالعه می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۷، ۸۰۰). کارکردگرایی شامل مفاهیمی مانند: کارکرد، تعادل، نظم، ساخت، ضرورت کارکردی، تکامل اجتماعی، سطوح

ساختی، محیط، ارزش‌ها، نظارت، کنترل، انسجام، انطباق‌پذیری، روابط سایبرنتیکی نظام‌ها و خاص‌گرایی است. آبراهام سون (۱۹۷۸) سه نوع کارکردگرایی را از هم متمایز می‌کند: کارکردگرایی فردگرایانه مبتنی بر نیازهای کنشگران و انواع ساختارهای ناشی از پاسخگویی به این نیازهای فردی، کارکردگرایی فی‌مابینی که بر روابط اجتماعی و سازوکارهای تطبیق با فشارهای موجود در این روابط تأکید دارد و کارکردگرایی اجتماعی که به ساختارهای اجتماعی و نهادهای پهن دامنه جامعه، روابط داخلی آن‌ها و تأثیرهای الزام‌آورشان بر روی کنشگران جامعه می‌پردازد (ریترز، ۱۳۸۲).

تالکوت پارسونز در کتاب سیستم اجتماعی (۱۹۵۱) حیات هر سیستم و نظام اجتماعی را در چهار کارکرد را تلقی می‌کند: ۱- کارکرد سازگاری ۲- کارکرد دستیابی به هدف ۳- کارکرد انسجام ۴- کارکرد پایداری.

در این تحقیق دولت کارآمد اسلامی به مثابه یک ساخت اجتماعی پهن دامنه، کارکردهایی دارد که به حیات جامعه اسلامی معنا و مفهوم می‌بخشد جامعه‌ای متعادل، باثبات، منسجم، انطباق‌پذیر و درعین حال پویا و رو به رشد و توسعه.

۲- گفتمان‌های کلاسیک در خصوص انواع دولت

۲-۱- دولت آرمانی (utopian state)

افلاطون را نخستین واضع دولت آرمانی و مدافع دولت قانونی که عهده‌دار تحقق و اجرای عدالت است می‌دانند. آگوستین در عالم مسیحیت و فارابی در جهان اسلام نیز از مهم‌ترین پیروان دولت آرمانی دینی هستند.

۲-۲- دولت آسمانی (heaven state)

این ایده در نخستین قرون میلادی در میان اصحاب کلیسا ریشه یافت که ریشه رواقی هم داشت. در مقابل دولت زمینی، آگوستین دولت آسمانی را قرار می‌داد. دولتی در شهر خدا، یعنی جامعه‌ای که سرشار از فضیلت و خوشبختی انسان است. برتراند راسل از منظر نظریه، دولت آسمانی را در آرای ارینگس که از نخستین آبای کلیسا فیلسوفی افلاطونی بود، قلمداد می‌کرد.

۲-۳- دولت اخلاقی (ethical state)

ارسطو مدافع این دولت بود، به نظری دولت اخلاقی که به عنوان غایت عمل سیاسی است سعادت بشر را تأمین می‌کند.

۲-۴- دولت عرفی (secular state)

نظریه پرداز این ایده نیکولو ماکیاولی است. او حوزه و قلمرو اخلاق و سیاست را از همدیگر تفکیک نموده و معتقد است هر ابزار و وسیله ای که قدرت را تحکیم نماید، اخلاقی است.

۲-۵ دولت قراردادی (contractual state)

توماس هابز، جان بدن، روسو و جان لاک با مبانی فلسفی متفاوت ایده پردازان این نوع دولت هستند. آنها معتقدند که از طریق قرارداد اجتماعی قدرت عریان به حق نمایندگی تبدیل می شود. (پولادی، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۸)

۲-۶ دولت قدرت (power state)

مبنای این نظریه اصطلاح «حق با قوی است» می باشد. سوفسطاییان را از اولین مدافعان نظریه دولت قدرت می دانند که در مقابل دولت آرمانی افلاطون قرار دارد.

۲-۷ دولت استبدادی (dictator state)

اغلب تئوری های غربی معتقدند که در تمامی دوران قبل از سرمایه داری، دولت در جوامع غربی دامنه نفوذ و قدرت عملی محدودی داشته است؛ در حالی که در شرق و وضع گونه دیگری بوده است. منتسکیو حاکمیت های سیاسی شرقی را دولت های استبدادی نامیده است و از آنها به عنوان دولت پاتریمونیال (سلطنت استبدادی) یاد کرده است. شایان توجه است منتسکیو دلایل قانع کننده و مستند برای عدم وجود این دولت ها در غرب ارائه نمی کند.

۲-۸ دولت های مطلقه (absolutist state)

انگاره دولت های مطلقه مربوط به دوران قرون وسطا در اروپا است که هم زمان با فروپاشی ساخت فئودالی و شکل گیری سلطنت های پر قدرت در محدوده های محلی شکل گرفت. هابز و بدن از مهم ترین نظریه پردازان این دولت هستند (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۴۷).

۳- گفتمان های نوین در خصوص دولت

بر مبنای رابطه و نقش دولت در توسعه و پیشرفت کشور دوران متمایز از نیمه دوم قرن بیستم میلادی وجود دارد که عبارتند از:

۳-۱ دوره اول

پایان جنگ جهانی دوم تا اواخر دهه ۱۹۷۰ است. گفتمان غالب در این دوره اعتقاد به وجود دولتی بزرگ و فراگیر به عنوان موتور محرک توسعه می باشد؛ زیرا بخش خصوصی

سرمایه مورد نیاز و توان لازم برای توسعه را نداشت. این گفتمان ناشی از حاکمیت رویکرد اقتصاد کینزی است که دولت را مهمترین عامل اصلاح کننده شکست بازار قلمداد می کرد.

۲-۳ دوره دوم

عدم توفیق شرکت های دولتی باعث شد تا اواخر دهه ۱۹۷۰ طرفداران اقتصاد بازار آزاد (مکتب شیکاگو و نئولیبرال ها) اعتقاد به کوچک سازی دولت پیدا کنند و خصوصی سازی مبتنی بر قدرت بازار و رقابت اقتصادی آزاد که موتور توسعه است، اصل قرار گیرد.

۳-۳ دوره سوم

از اواخر دهه ۱۹۹۰ و تقریباً همزمان با طرح گفتمان و نظریه حکمرانی خوب (good governance) آغاز شد و منظور از آن اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی دولت و اثربخشی و کارآمدی آن بود. در این گفتمان دولت نه مانع توسعه و نه عامل آن است بلکه شرط اساسی نیل به توسعه و پیشرفت، تحقق حکمرانی خوب و شایسته است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵)



از دیگر نظریه‌های نوین دولت می‌توان به دیدگاه‌های «پیتر اوانز» و «آدریان لفت ویچ» اشاره نمود. پیتر اوانز با تکیه بر تعریف ماکس وبر از دولت، آن را مجمعی اجباری که مردم تحت قلمرو خود را کنترل می‌کند می‌داند و مهم‌ترین نقشه‌ها و کار ویژه دولت‌های کلاسیک و مدرن را به شرح زیر بیان می‌کنند:

اول جنگ، دوم تنظیمات کشور که از جمله وظایف کلاسیک دولت است اما در جهان معاصر ایران چندی است که وظیفه سوم دولت، تقویت تحول اقتصادی و تضمین حداقل رفاه نیز به آن اضافه شده است. تحلیل‌های تاریخی نشانگر آن است که مسئولیت جنگ بیش از هر مسئولیت دیگر عامل پیدایش دولت مدرن بوده و همین وظیفه است که به دولت امکان می‌دهد تا به آسانترین نحو، خود را به عنوان کارگزار منافع همگانی اجتماعی مطرح کند (اوانز، ۱۳۷۵، ۳۶)

۴- اقدامات بنیادین پیامبر اکرم (ص) برای تشکیل دولت الگو و نمونه

برای نیل به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در خصوص شاخص‌های دولت کارآمد اسلامی به‌عنوان مدخلی به دیدگاه‌های ایشان پیرامون دولت نبوی (ص) و الگو و مدلی کامل از یک دولت اسلامی ایده‌آل اشاره می‌شود. مقام معظم رهبری در تبیین اهداف تشکیل دولت اسلامی با تأکید بر تمدن درخشان اسلامی و با امعان نظر به دولت مدینه به‌عنوان اولین دولت اسلامی به معنای عینی کلمه که توسط حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) تشکیل شد، آن را به‌مثابه الگوی اکمل و اتمم فراگیر و همیشگی و جاودانه برای دولت اسلامی قلمداد نموده و می‌فرماید:

«دوران مدینه، دوران شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن یک الگو و نمونه از حاکمیت اسلام برای همه زمان‌ها و دوران‌های تاریخ انسان و همه مکان‌ها است. البته این الگو، یک الگوی کامل است و آن را دیگر در هیچ دورانی سراغ نداریم... پیغمبر (ص) نمونه را می‌سازد و به همه بشریت و تاریخ ارائه می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۹۴). مهمترین اقدامات زیربنایی و بنیادین پیامبر اکرم (ص) برای تشکیل دولت الگو و نمونه عبارت بود از:

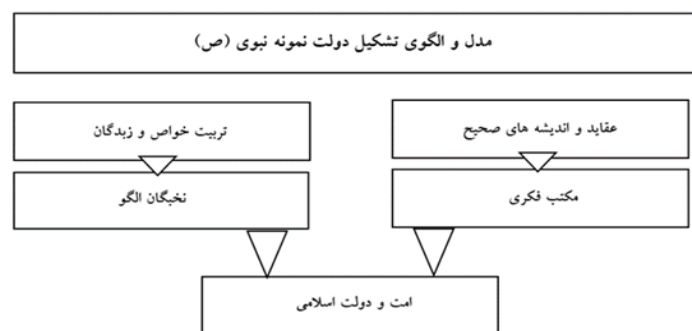
۱- ۴ استقرار مکتب فکری (عقاید صحیح)

ایجاد چنین نظامی به پایه‌های اعتقادی و انسانی احتیاج دارد. اول باید عقاید و اندیشه‌های صحیحی وجود داشته باشد تا این نظام بر پایه آن افکار بنا شود. پیغمبر این اندیشه‌ها و افکار را در قالب کلمه توحید و عزت انسان و بقیه معارف اسلامی را در دوران سیزده سال مکّه تبیین کرده بود، بعد هم در مدینه و در تمام آنات و لحظات تا دم مرگ

دائما این افکار و معارف بلند که پایه‌های همین نظامند را به این و آن تفهیم و تعمیم داد. (خامنه ای، ۱۳۸۵: ۱۹۶)

۲-۴ تربیت خواص و زیدگان

پایه‌ها و ستون‌های انسانی لازم است تا این بنا بر دوش آنها قرار گیرد-چون نظام اسلامی قائم به فرد نیست- پیغمبر بسیاری از این ستون‌ها را هم در مکه به وجود آورده و آماده کرده بود. یک عده از صحابه بزرگوار پیغمبر با اختلاف مرتبه ای که داشتند معلول و محصول تلاش و مجاهدت دوران سخت ۱۳ ساله مکه بودند. یک عده هم کسانی بودند که قبل از هجرت، در یثرب با پیام پیغمبر به وجود آمده بودند؛ از قبیل سعد بن معاذها و ابی ایوب‌ها و دیگران. بعد هم که پیغمبر آمد، از لحظه ورود انسان سازی را شروع کرد و روز به روز مدیران لایق، انسان‌های بزرگ، شجاع، قوی و با معرفت به عنوان ستون‌های مستحکم این بنای شامخ و رفیع مدینه شدند. (خامنه ای، ۱۳۸۵: ۱۹۷) نتیجه دو عنصر عقاید صحیح و تربیت خواص را در قالب امت اسلامی و دولت مطلوب می‌توان مشاهده نمود. ۱۰ سال هم امت سازی به طول انجامید. این امت سازی فقط سیاست نبود، یک بخشی از آن سیاست بود، بخش عمده دیگر آن، تربیت یکایک افراد بود. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه». یک یک دلها در زیر تربیت پیغمبر قرار می‌گرفت. پیغمبر به یکا یک ذهن‌ها و خردها، دانش و علم را تلقین می‌کرد، حکمت یک مرتبه بالاتر است فقط این نبود که قوانین و مقررات و احکام را به آنها بیاموزد، بلکه به آنها حکمت می‌آموخت و چشم‌های آنها را بر روی حقایق عالم باز می‌کرد (خامنه ای، ۱۳۸۵: ۱۹۸).



۵- ویژگی ها و خطوط اصلی دولت کارآمد اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری

مهم ترین ویژگی های بنیادی که می توانند به مثابه شاخص های دولت مدنی (مدینه النبی ص) تلقی گردند عبارتند از:

۵-۱ معرفت شفاف و بی ابهام (شناخت و علم):

پیامبر اکرم (ص) نظامی را به وجود آورد که خطوط اصلی آن چند چیز بود. اول: معرفت شفاف و بی ابهام همین معرفت بود که به علم و علم اندوزی منتهی شد و جامعه اسلامی را در قرن چهارم هجری به اوج تمدن علمی رساند. پیامبر نمی گذاشت ابهام باشد، در هر جایی که ابهامی به وجود می آمد یک آیه نازل می شد تا ابهام را برطرف کنند (خامنه ای، ۱۳۸۵: ۱۹۹).

۵-۲ عدالت مطلق و بی اغماض

خط اصلی و دوم، عدالت مطلق و بی اغماض بود. عدالت در قضاوت و عدالت در برخورداری های عمومی و نه خصوصی، امکاناتی که متعلق به همه مردم است و باید به آن ها به عدالت تقسیم شود. عدالت در اجرای حدود الهی، عدالت در مناصب و مسئولیت دهی و مسئولیت پذیری، البته عدالت غیر از مساوات است ... عدالت حفظ عدالت اقتصادی نیست، عدالت در همه امور و شئون زندگی بسیار دشوار است ... بنابراین ما به عنوان شیعه باید این درس را به یاد داشته باشیم که عدالت، بی اغماض و قابل معامله نیست و هیچ یک از مصالح گوناگون نه مصالح فردی و نه مصالح حکومت و کشور اسلامی نمی توانند با عدالت معامله شود (خامنه ای، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

۵-۳ عبودیت کامل و بی شریک

عبودیت کامل و بی شریک در مقابل پروردگار، یعنی عبودیت خدا در کار و عمل فردی. عبودیت در نماز که باید قصد قربت داشته باشد، عبودیت در ساحت جامعه، در نظام حکومت، نظام زندگی مردم و مناسبات اجتماعی میان مردم بر مبنای عبودیت خدا که این هم تفسیر و شرح فراوانی دارد (خامنه ای، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

۵-۴ تزکیه و تعلیم علم

«و يعلمهم الكتاب والحکمه» فرع این است که علم کتاب و حکمت در وجود مقدس نبی اکرم (ص) در حد اعلا وجود دارد. «یزکیهم» فرع بر این است که آن وجود مطهر در حد اعلا کلمه ممکنه برای طبیعت بشری، تزکیه شده است. با این نیرو است که می تواند

دنیاپی را به سمت ترکیه پیش برد. این آن چیزی است که رهبران مکاتب مختلف و سردمداران مفاهیم گوناگون فلسفی و اجتماعی و سیاسی و غیره از آن بیگانه‌اند... انبیا از اول تا نبی اکرم خاتم چگونه هدف خود را تعلیم و تزکیه معین کرده‌اند. «یعلمهم الکتاب والحدیث» انسان‌ها را هم تربیت عقلانی و فکری می‌کنند و هم تربیت روحی. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۲۰۴).

۵-۵- فرهنگ مجاهدت و فداکاری در راه خدا

در زمان ما ارزش شهادت و فداکاری در راه خدا، از بسیاری از زمان‌های تاریخ اسلام بیشتر است. شهادت همیشه با ارزش است و فداکاری در راه خدا همیشه کاری عظیم و ارجمند است؛ اما همین کار خوب و بزرگ در برخی شرایط بزرگ‌تر و مهم‌تر و با ارزش‌تر است. مثلاً در صدر اسلام، فداکاری واقعاً ارزش مضاعف داشت علت هم این بود که در آن دوران اسلام نهالی بود و اگر فداکاری‌ها نمی‌بود شاید دشمنان اسلام این نهال را می‌کنند. در زمان سیدالشهدا (ع) فداکاری و شهادت بزرگ ارزش مضاعف داشت چون حقیقتاً در آن روزها محصول زحمات پیامبر در حال از بین رفتن بود و فداکاری حسین بن علی (ع) و یاران آن بزرگوار مانع از چنین کاری شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۲۰۵).

۶- شاخص‌های درخشان دولت اسلامی (دولت نبوی) در اندیشه رهبری

مقام معظم رهبری با امعان نظر در روش و سیره تابناک پیامبر عظیم‌الشان اسلام مهم‌ترین ویژگی‌های دولت نبوی (ص) را در قالب‌های زیر بیان می‌کنند که می‌تواند به مثابه شاخص‌های کاربردی برای دولت کارآمد اسلامی یا دولت نبوی (ص) تلقی گردد:

۱-۶ ایمان و معنویت

شاخص اول ایمان و معنویت است. انگیزه و موتور پیش برنده حقیقی در نظام نبوی ایمان است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آن‌ها را در جهت صحیح به حرکت درمی‌آورد. پس شاخص اول دمیدن و تقویت روح ایمان و معنویت و دادن اعتقاد و اندیشه درست به افراد است که پیغمبر این را از مکه شروع کرد و در مدینه پرچمش را با قدرت بالا برد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۲۰۵).

۲-۶ قسط و عدل

شاخص دوم قسط و عدل است. اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن حق به حق دار بدون هیچ ملاحظه‌ای است. هدف دومی که پیغمبر از لحظه اول به دنبال آن بوده عبارت است از ایجاد یک محیط سالم و صحیح برای معیشت و زندگی انسانی، یعنی دنیاپی که در